



شماره ۸۸ دوره هشتم
سال دوم پنجشنبه ۱۷ بهمن ۱۳۶۴
بهاء ۲۰ ربال

از انقلاب صادقانه بیاموزیم جبهه متحد خلق و تجربه انقلاب بهمین

"انقلاب مسلما با چنان سرعت و عمق تعلیم می‌دهد که در دوره‌های مسالمت آمیز تکامل سیاسی غیرقابل تصور بنظر می‌رسد. آنچه که بخصوص اهمیت دارد آنست که انقلاب نه فقط به رهبران، بلکه به توده‌ها نیز تعلیم می‌دهد."

لنین - منتخبات به فارسی - ص ۲۲۲

مفتمین سالگرد انقلاب بهمین در شرایطی فرا می‌رسد که خائنه‌ها به مردم و آرمان‌های انقلاب، در همه عرصه‌های سیاست داخلی و خارجی به بن بست رسیده‌اند. ناراضیاتی زحمتکشان، هرچه بیشتر به مخالفت فعال با ارتجاع حاکم فرامی‌روید و سردمداران ج.ا. پیش از هر چیز به تدارک و سازماندهی بازمانده نیروهای خویش بقیه در ص ۶

به مناسبت پانزدهمین سالگرد بنیانگذاری سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

رفقای گرامی

با فرارسیدن پانزدهمین سالگرد بنیانگذاری سازمان برادر - سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) کمیته مرکزی حزب توده ایران صمیمانه‌ترین شادباش‌های خود را به شما و از طریق شما به همه اعضای سازمان رزمنده شما تقدیم می‌دارد.

سازمان شما امسال نیز مراسم سالروز بنیانگذاری خود را در شرایطی برگزار می‌کند که همه نیروهای انقلابی، مردمی، دمکرات و همه مردم زحمتکش کشور زیر فشار روزافزون حکام رژیم جمهوری اسلامی که به هدف‌ها و ایده‌آل‌های انقلاب شکوهمند بهمین ۵۷ خیانت بقیه در ص ۲

به مناسبت مفتمین سالگرد
انقلاب بهمین ۱۳۵۷

بحرانی که روز بروز عمیق‌تر میشود

هفت سال از پیروزی انقلاب بهمین ۵۷ می‌گذرد. هفت سال پیش ده‌ها میلیون ایرانی در یک نبرد سرسخت و خونین، رژیم را سرنگون کردند که کشور ما را به پایگاه نظامی امپریالیسم آمریکا و بازار غارت انحصارهای چند ملیتی تبدیل کرده بود. رژیم که سیاست داخلی و خارجی آن، کشوری با منابع عظیم زیرزمینی و نیروی انسانی کافی و درآمد سرشار نفتی را با بحران عمیق اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی روبرو ساخته بود. رژیم دست‌نشانده که خونخواران ساواک را بر جان و مال و ناموس میلیون‌ها ایرانی مسلط کرده و ایران را به زندان ایرانیان تبدیل ساخته بود.

در مفتمین سالگرد انقلاب نظری گذرا به رویدادهای سالهای گذشته برای درک روندی که اکنون در جامعه ما می‌گذرد و تا اندازه‌ای شهادت به آن دوران دارد، ضروراست. در سال‌های ۵۷-۱۳۵۳ رژیم شاه مبلخ حدود ۱۱۰ میلیارد دلار فقط از فروش نفت بدست آورد. در صورت استفاده معقول از این ثروت کلان می‌شد معضلات عظیم اجتماعی - اقتصادی کشور را حل کرد و میلیون‌ها ایرانی را از منجلاب فقر و فلاکت نجات داد. ولی شاه و اعوان و انصارش چه کردند؟ آنها با تقسیم این ثروت میان عده‌ای قلیلی از کلان سرمایه‌داران که در گروه‌های مالی - صنعتی آن ایام گرد آمده بودند و صرف بخش قابل ملاحظه‌ای از آن برای خرید سلاح‌های گران قیمت از آمریکا و بالاخره دزدیدن آشکار بخش دیگر، ورطه فقر و ثروت را در جامعه عمیق‌تر کردند. در یک قطب هزار فامیل با ثروت افسانه‌ای و در قطب دیگر میلیون‌ها کارگر و دهقان از مستی ساقط شده و به نام شب محتاج بقیه در ص ۴

۱۷ بهمن یادآور توطئه ننگین رژیم علیه حزب توده ایران

۱۷ بهمن یادآور توطئه ننگین رژیم ج.ا. علیه حزب توده ایران است. سه سال پیش در این روز دست اندرکاران رژیم بخشی از کادر رهبری حزب توده ایران را دستگیر و روانه شکنجه‌گاه‌ها کردند. بدین ترتیب توطئه گسترده علیه حزب طبقه کارگر ایران که از مدت‌ها پیش توسط ارگانهای سرکوبگر رژیم طرح ریزی شده بود وارد مرحله عمل گردید.

دژخیمان ج.ا. با همیاری دست پروردگان ساواک، "سیا"، "موساد" و "انتلیجنس سرویس" توده‌ایهای درپند را تحت شدیدترین شکنجه‌های جسمی و روحی قرار دادند تا آنها را به اعتراف "گناهان" ناکرده وادارند و دستاویز غیرقانونی کردن حزب توده ایران را بدست آورند.

بررسی علل یورش به حزب و نیز علل عقیم ماندن توطئه انحلال آن توسط رژیم - به منظور کسب تجربه و الهام از گذشته برای آینده - حائز اهمیت ویژه‌ای است.

نبرد در راه آزادی، استقلال و عدالت اجتماعی، پیکار بی‌امان علیه توطئه‌های رنگارنگ امپریالیسم جهانی، سیاست سنجیده و مسئولانه در قبال حاکمیت جدید که از پشتیبانی توده‌ها برخوردار بود، تلاش بی‌وقفه برای تعمیق انقلاب و تشکیل جبهه متحد خلق به عنوان یگانه ضامن حفظ انقلاب از گزند امپریالیسم و ارتجاع و کوشش خستگی‌ناپذیر در راه گسترش و تحکیم پیوند با طبقه کارگر و سایر زحمتکشان کشور از اهم وظایف و فعالیت‌های حزب در دوران پس از انقلاب شکوهمند ضد امپریالیستی و مردمی بهمین ۵۷ بود.

این افتخار در تاریخ پیکار پرثمر حزب ما برای همیشه ثبت شده است که حزب توده ایران بقیه در ص ۲

سالروز تأسیس

"تشکیلات دمکراتیک زنان ایران"

۱۸ بهمن مصادف است با سالگرد تشکیلات دمکراتیک زنان ایران.

۴۲ سال پیش در ادامه مبارزه قهرمانانه زنان میهن ما، این تشکیلات فعالیت خود را رسماً آغاز کرد. و به سازماندهی و تجهیز زنان پرداخت.

تشکیلات دمکراتیک زنان ایران در شرایطی فعالیت خود را آغاز کرد که مسئله برابری حقوق زنان با مردان در افکار عمومی جامعه ایران امری قریب و غیرقابل تصور به نظر می‌رسید. اما این سازمان با تلاش خستگی‌ناپذیر و برنامه‌ای علمی در راستای تحقق این امر همت گمارد.

هرچند پس از یورش به حزب توده ایران در سال ۱۳۲۷، تشکیلات دمکراتیک زنان ایران نیز از سوی رژیم وابسته شاه غیرقانونی اعلام شد اما زنان آگاه و مبارز کشورمان دوشادوش مردان در تظاهرات ملی شدن صنعت نفت در تهرماه ۱۳۲۰، در همه پرسی مردانماه ۱۳۳۲ به منظور انحلال دوره ۱۷ مجلس شورای ملی، شرکت فعال داشتند. علاوه بر آن حضور وسیع زنان در تظاهرات، اعتصاب‌ها و اعتراض‌های جمعی کارگران و دیگر زحمتکشان کشور در دوران خفقان رژیم ستم شاهی نقش چشمگیری در به ثمر رسیدن جنبش توده‌ای میهن‌مان داشت.

انقلاب با شکوه بهمین ۵۷ فرصتی نوین در تاریخ مبارزاتی تشکیلات دمکراتیک زنان ایران گشود. حمایت وسیع توده‌ای و فعالیت‌های ثمربخش این تشکیلات در مدت کوتاه فعالیت آن، نشانگر حقانیت برنامه‌های اصولی این سازمان بقیه در ص ۲

دیدار نمایندگان اتحادیه کارگری "دیسک" ترکیه
و کمیسیون ارتباطات سندیکایی در ص ۸

تعاونی‌های مسکن کارگری،
سنگرمهم مبارزه طبقه کارگر
درس ۲

پیروز باد مبارزه خلق در راه سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی!

به مناسبت پانزدهمین سالگرد...

کردند.

دچار سرکوب و تضییقات استبداد قرون وسطایی هستند. سرکوب، شکنجه، زندان و اعدام بهترین فرزندان خلق به قصد محروم ساختن زحمتکشان کشور از رهبری حزب ما، سازمان شما و دیگر نیروهای مترقی و میهن دوست از نشانه‌های بارز خیانت رژیم است.

مقاومت روزافزون خلق‌های میهن‌مادر مقابل حکام کمر بسته به خدمت سرمایه داخلی و خارجی نشانگر رویگردانی روزافزون مردم و اوچ گیری جنبش انقلابی در کشور است. مردمی که با قیام سرتاسری تاریخی خود عمق دلبستگی و قاطعیت اراده شکست‌ناپذیر خود را در راه دستیابی به آزادی، استقلال و عدالت اجتماعی واقعی نشان داده‌اند نمی‌توانند استبداد دہشتناک قرون وسطایی، ظلم و ستم طبقاتی و دیگر حرکت‌های ضد مردمی و ضد میهنی رژیم را که با هدف ما و شعارهای توده‌های چند میلیونی شرکت کننده در انقلاب کاملاً مغایر است، بپذیرا شوند.

اینک در شرایط دشوار کنونی شوق بازی در خون نیست که رزمندگان توده‌ای و فدائی را به پیکار پیکار و استوار در شرایط کاملاً ناهموار برانگیخته است. این همان تعهد شکوهمند به آزادی، استقلال و عدالت اجتماعی واقعی است که بیش از چهاردهم برای حزب ما و پانزده سال برای سازمان شما تاریخ پرفراز و نشیب رزمی پیکار در راه تحقق مردمی ترین آمال خلق‌های زحمتکش میهن ستندیده ما را رقم زده است.

همچنان که نفرت و خصومت عمیق امپریالیسم جهانی بسرکردگی آمریکا و ارتجاع و استبداد قرون وسطایی رژیم حاکم بر میهن ما نسبت به سازمان‌های ما حد و مرز نمی‌شناسد، حقانیت پیکار عادلانه این گردان‌های پیشتاز طبقه کارگر را نیز حد و مرز نیست. شما و ما در راه دستیابی به آرمان‌های انقلابی خود در پیکار علیه امپریالیسم و ارتجاع داخلی تا کنون بهای گزافی به قیمت آزادی و جان هزاران توده‌ای و فدایی پرداخته‌ایم. بهای گزافی که علیرغم هر نوع خیانت و هرزه درایی دشمنان انقلاب و مردم، جای و اعتبار مسلمی را در تاریخ معاصر میهن ما به خود اختصاص داده است. تردیدی نداریم که پیکار پرشکوه ما تا پیروزی نهایی ادامه خواهد داشت.

رفقای عزیز

باردیگر زادروز پر افتخار سازمان شما را به گرمی شادباش می‌گوییم و برای شما موفقیت بیش از پیش آرزو می‌کنیم.

پیروز باد اتحاد همه نیروهای انقلابی برای سرنگونی رژیم "ولایت فقیه"

درد بر طبقه کارگر و خلق زحمتکش ایران

کمیته مرکزی حزب توده ایران

۱۳۶۴ بهمن ۱۷

۱۷ بهمن یادآور توطئه ننگین

در عقیم گذاشتن توطئه‌های امپریالیسم در سال‌های بعد از انقلاب نقش ارزنده و غیرقابل انکاری داشت. حزب ما در تمام دوران فعالیت خود در جبهه مقابل امپریالیسم جهانی و عمال داخلی آن قرار داشت. از همین رو کهنه حیوانی آنها نسبت به حزب در چند سال بعد از انقلاب بیش از پیش افزایش یافت.

حزب توده ایران همواره منادی وحدت نیروهای مترقی در جبهه متحد بود. حزب ما همه تلاش خود را بکار بست تا با تمام نیروها و سازمانهایی که در انقلاب بهمن ۵۷ شرکت کرده و خواستار تعمیم آن در راستای اهداف ملی و دمکراتیک بودند زبان مشترک بیابد. حزب توده ایران بنا به احساس مسئولیت خطیر در قبال سرنوشت خلق و میهن، علیرغم آنکه از هر طرف آماج انواع اتهام‌های ناروا بود دست اتحاد به سوی همه نیروهای مترقی دراز کرد.

علیرغم برخی نارسایی‌ها، شالوده خط مشی سیاسی حزب را شرایط عینی آن دوران، منافع خلق و مصالح میهن تشکیل می‌داد. حزب ما عاشق شکل و شمایل این یا آن فرد و یا این و یا آن جناح حاکمیت ج.ا. نبود. اگر غیر از این بود سیاست حزب توده ایران بر پایه اراده و خواست و منافع حاکمیت ج.ا. بی‌ریزی شده بود هرگز مورد چنان بیورش ناچواندرانه‌ای قرار نمی‌گرفت.

تازمانی که بخشی از کشور ما در اشغال نیروهای تجاوزگر عراق بود توده‌ایها همراه با مردم کشور با تمام قوا برای بیرون راندن متجاوز از میهن جنگیدند. حزب ما، آنگاه که ایران از لوٹ و چورد متجاوز پاک شد بیدرتک شعار صلح و قطع جنگ را پیش کشید.

حزب توده ایران برای گسترش و تحکیم پیوند با طبقه کارگر اهمیت خاصی قایل بود و همه تلاش را برای آشنا ساختن کارگران به رسالت تاریخی خود و متشکل کردن آنها در شکل‌های صنفی و حزب طبقه کارگر بکار بست. در این زمینه مشکلات و بیزهای فراوان حزب قرار داشت. سطح نازل آگاهی طبقاتی و پراکندگی صفوف کارگران و تاثیر پذیری اکثر آنان از ایدئولوژی غیر پرولتری - که بطور عمده معلول شرایط عینی آن دوران بود - تلاش حزب را در راه پیوند با طبقه کارگر با دشواریهای بزرگی مواجه می‌ساخت. با این وجود، حزب ما برای ارتقاء آگاهی و دانش اجتماعی کارگران و بسیج آنها در راه دستیابی به حقوق عادلانه اجتماعی تلاش گسترده‌ای را بکار بست.

نقشی که حزب توده ایران در افشای ماهیت پیش نویس قانون کار توکلی بازی کرد در تاریخ مبارزات کارگری کشور ما جای برجسته‌ای دارد. حزب توده ایران کارگران را علیه نیروهای ضدکارگری بسیج کرد و مبارزه آنان علیه توکلی و شرکاء را تا رد پیش نویس و برکنار ساختن وزیر کار رهبری نمود.

موقفیت حزب در عرصه‌های یادشده موجب

سالروز تأسیس

صنفی - سیاسی بود. از جمله فعالیت‌های تشکیلات دمکراتیک زنان ایران پس از انقلاب را می‌توان چنین برشمرد: بسیج زنان کشورمان در جهت حمایت و حفظ انقلاب و دستاوردهای آن، انتشار ماهانه مجله "جهان زنان" که آئینه تمام‌نمای وضع اجتماعی زنان کشور بود، دعوت از زنان به منظور شرکت هرچه فعال‌تر در نهضت سوادآموزی، ترتیب دادن برنامه‌های سخنرانی به منظور ارتقاء سطح آگاهی‌های سیاسی - اجتماعی زنان کشور، تلاش در جهت لغو قوانین پوسیده نظام ستم شاهی و حمایت همه‌جانبه از حقوق اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و... زنان و ارائه پیشنهادات عملی راهگشا در رابطه با رهایی زنان از قید و بند‌های اسارت‌بار گذشته، افشاکگری در باره قوانین ارتجاعی وضع گردیده در مورد زنان از سوی کارگزاران ولایت فقیه نظیر "قانون قصاص" و حمایت پیکار از حقوق مدنی زنان و شناساندن حقوق همسری و مادری آنان، متشکل کردن زنان برای دفع تجاوز امپریالیستی به انقلاب، ایجاد کلاس‌های آموزشی مختلف هنری در میان زنان و دست یافتن بیشتر آنها به مهارت‌های گوناگون و تشویق زنان به منظور حضور فعالانه در محیط‌های اجتماعی.

اما یورش همزمان به حزب توده ایران و تشکیلات دمکراتیک زنان ایران، رشته این خدمات ارزنده را از هم گسست و تاریخ بار دیگر تکرار شد.

بقیه در ص ۷

محبوبیت آن در جامعه شد. به موازات تشدید سیاست ارتجاعی رژیم و تحدید پایگاه اجتماعی آن، اعتبار حزب در میان اقشار زحمتکش جامعه با سرعت فزاینده‌ای بالا می‌رفت. رژیم ج.ا. در وجود طبقه کارگر و حزب توده ایران که پیوند میان آنها پیوسته در حال گسترش و تعمیق بود مرکز خود را می‌دید. از این رو توطئه یورش فاشیستی به حزب ما را تدارک دید و به اجرا گذاشت.

برخلاف تصور و تبلیغات پوچ سران مرتجع ج.ا. حزب توده‌ای ما از عرصه حیات اجتماعی ایران محو نشد. پلنوم هجدهم کمیته مرکزی حزب توده ایران در کوتاهترین مدت ممکن برپا گردید و درفش به خون نشسته حزب را به اهتزاز درآورد. بدون تردید هیچ سازمانی به غیر از حزب توده ایران، اگر چنین ضربه‌ای خورده بود قادر نمی‌شد هرگز و یا حداقل به این زودی‌ها کمر راست کند، اما حزب ما به دلیل حقانیت تاریخی خود و پیوند ناگسستنی با توده‌های زحمتکش و برخورداری از حمایت بی‌شائبه انترناسیونالیستی، از این آزمون دشوار زندگی نیز سربلند بیرون آمد و اینک در برابر چشمان بهت زده حکام مرتجع ج.ا. که به تصور پوچ خود از "شر" حزب طبقه کارگر "خلاص" شده بودند در راه تحقق رسالت تاریخی خود مبارزه می‌کند. این واقعیت می‌تواند و باید مایه‌ی مباهات هر توده‌ای باشد.

نامی از انبوهه نام‌ها

شما را چه نام است؟

تهار و دیارتان،

و بویه و بویه تان چیست؟

که جمله تان، یکسان تاختید
و سرخوشان، جان باختید.

شما را سوزاندند

و خاکستر تان را بر باد و آب دادند،
تا کس نشان نداند،

اما غبار شما را،

باد و آب به هر کشت برد،
از آن سنبله یاد رویید.

شما را به دار آویختند

و روزها و روزها،

اندامتان را آونگ ساختند،

تا خلیق را عبرتی باشد،

اما ستمهیدگان،

رستان را نمودار کردند.

شما را خاک دردهان ریختند

تا سردتان را، مستان نیاموزند،

اما فردا، بر سر بازار،

آوازتان کلهاک بود.

شما را به درد، در به در اندند،

اما همه دردها،

بر شما،

آغوش مهربان شد.

گورتان را کم کردند،

اما هرگز کم نشدید.

و گمشدگان را راه نمودید.

نامتان را شستند،

اما همواره، اول دفتر، به نام شما بود

که خلق را خالق می‌انگاشتید

و عیشتان، بی‌همگان پسر نمی‌شد.

شما را چه نام است؟

از چه تهار و دیارید؟

بویه و بویه و نامتان چیست؟

از انبوهه همه تهارها و دیارها،

یک نامتان پیش نیست:

انسان انسان.

و فرجام بویه و بویه تان:

رستگاری شایای این نام.

ما رسم عاشقی را از شما آموختیم.

از شما نیز می‌آموزیم،

که چراغ خانه را،

با شعله وجود خویش برافروزیم

و از شما می‌آموزیم که:

انسان باشیم.

۱۱ بهمن ماه ۱۳۶۴

مازیار زندیک

تعاونی‌های مسکن‌کارگری، سنگرمهم مبارزه طبقة کارگر

۱۱ اردیبهشت ماه امسال نیز سرحدی زاده

تحت فشار امواج نیرومند اعتراض‌های کارگران لب به اعتراف گشود: "نظر وزارت مسکن این است که بخش خصوصی را تقویت کند. یعنی بخش خصوصی بپاید واحدهایی بسازد و اجازه بدهد که این اصلا برای طبقه کارگر کارساز نیست."

اما از آتش این اعترافات بی‌پشتوانه، آبی برای کارگران محروم گرم نمی‌شود. وضع تعاونی‌های مسکن روز به روز به وخامت می‌گراید. وزارت مسکن، سازمان زمین شهری، وزارت کار و دیگر ارگان‌های مسئول با انواع کارشکنی‌ها (به ویژه ندادن زمین و امکانات) ادامه کار تعاونی‌های مسکن را غیرممکن می‌سازد. در همین خصوصی درنامه اعتراضی کارگران عضو تعاونی مسکن کارخانه "پوتان گاز" آمده است:

"حدود یک سال و نیم پیش صورت اسامی خود را برای دریافت زمین به وزارت کار تسلیم نمودیم - ولی متأسفانه نتیجه‌ای حاصل نشده است." همین اواخر نیز نامه‌ای از اعضای ۱۶ تعاونی مسکن کارگری شرق تهران در مطبوعات مجاز به چاپ رسید که در آن پس از اشاره به زحمات کارگران در شناسایی و تسطیح قطعه زمینی، گفته می‌شود: "اکنون سازمان زمین شهری به فکر تصاحب این زمین افتاده است."

علاوه بر فقدان امکانات، دست اندرکاران امور همچنین تعاونی‌های مسکن کارگری را بین ادارات مختلف سردوانده و دست به سر می‌کنند. نماینده قزوین در جلسه ۷ آبان ماه امسال مجلس به نمونه‌ای از این عمل رژیم اشاره نمود و به مدیران کارخانجات "مدنخ" و "فرنگ" تذکر داد که "کارگران زحمتکش را که گناهی جز... بیخانمانی ندارند همانند توپ به یکدیگر حواله ندهند."

مسئله وام بانکی از دیگر موانع اساسی بر سر راه تعاونی‌های مسکن کارگری است. در همین رابطه شهریور ماه امسال در جلسه "کانون همافکنی تعاونی‌های کارگری" آشکار گردید که بانک‌ها در قبال پرداخت ۲ میلیون ریال وام مسکن بیش از همین مبلغ سود دریافت می‌کنند. به این مجموعه مشکلات، خودسری‌های وزارت کار در تغییر هیات مدیره تعاونی‌ها و تحمیل عوامل خود به کارگران را نیز باید افزود تا بتوان خطوط اصلی سیاست مسئولان رژیم در برخورد با تعاونی‌های مسکن کارگری را به روشنی ترسیم کرد.

در چنین متن و زمینه‌ای است که رویارویی کارگران زحمتکش کشور با نهادهای وابسته به حاکمیت اوج می‌گیرد. بی‌سبب نبود که کمالی در اردیبهشت ماه امسال اقرار کرد: "الان ما در رابطه با تعاونی‌های مسکن در سطح کشور مشکلات بسیار زیادی داریم."

مسئله مسکن به یکی از مضللات حاد کارگران میهن ما بدل شده است. طبق آمارهای رسمی نزدیک به نیمی از کارگران در سراسر کشور فاقد مسکن شخصی هستند. بدون شک واقع به مراتب بیش از این است. بخش اعظم کارگران کشور ما از درد بی‌سرنهایی یا ناچار به آلودگی نشینی - با هزاران مشکل ریز و درشت آن - در حاشیه شهرها و یا ناگزیر از اجازه نشینی هستند. کرایه خانه، حدود ۶۰٪ دستمزد ناچیز زحمتکشان را می‌بلعد. این امر در زندگی و کار آنان اختلالات جدی بوجود آورده است. بطوری که وزیر کار رژیم نیز، هر چند ریاکارانه، اعتراف می‌کند: "وقتی کارگر سرینامی برای زندگی نداشته باشد چگونه ممکن است یک حضور سالم در محیط کار داشته باشد؟"

براین مبنای امروزه مسکن به یکی از خواست‌های عمده صنفی کارگران بدل شده است و مبارزه کارگران حول این خواست گسترش می‌یابد. زحمتکشان ایران که به تجربه، مبارزه متحد را موثرتر از واکنش‌های محدود و پراکنده یافته‌اند، برای نیل به این خواست خود، از تعاونی‌های مسکن استقبال می‌کنند. به همین علت مدت هاست تعاونی‌های مسکن کارگری که از پرشمارترین به ظاهر مجاز هستند، آماج توطئه‌های رنگارنگ رژیم قرار گرفته و می‌گیرند.

هیات حاکمه دز برخورد با تعاونی‌های مسکن کارگری نیز همان سیاست عمومی تشکل ستیزانه خود را اعمال می‌کند. سردمداران رژیم که برای هموار کردن راه چپاول کلان سرمایه‌داران اصولاً مخالف هرگونه تشکل کارگری هستند، تا آنجا که بتوانند - حتی با توسل به زندان و شکنجه - از ایجاد تشکل‌های کارگری جلوگیری می‌کنند، ولی درجایی که دیگر چاره‌ای نداشته باشند، می‌کوشند از طریق سست کردن اعتماد زحمتکشان نسبت به تشکل آنها از سکه پیندازد و مضمحل کنند.

در حال حاضر می‌توان گفت که حکومت علی‌العموم سیاست سلب اعتماد توده‌های کارگری از تعاونی‌های مسکن را در پیش گرفته است. مقامات دولتی به قیمت فلج کردن تعاونی‌های مسکن کارخانه‌ها، کمر به خدمت بساز و بفریشان بسته‌اند. سال گذشته، مسئول چلسه کانون همافکنی انجمن‌های اسلامی خانه کارگر "در ارزیابی طرح "جدید" وزارت مسکن از مسئولان امر پرسید: "چطور چلسه سال است بعضی از تعاونی‌های مسکن دنبال یک قطعه زمین به این دروآن درمی‌زنند و زمینی به آنها داده نمی‌شوند. حالامی‌خواهند زمین در اختیار یک عده بساز و بفرورش بگذارند و همان پلایی را که در زمان طاغوت به سر این مردم بیچاره آوردند و بازم بپیاورند."

بحرانی که...

قرار داشتند. در چنین جامعه‌ای که جمعیت شهرهای آن به حساب مهاجرت روستاییان ورشکست شده به سرعت روبه افزایش بود، رژیم نیاز به تشدید ترور و اختناق داشت. رژیم شاه برای "خفه" کردن تضاد طبقاتی و نابرابری در جامعه به ساواک و پلیس و در مواردی حتی به نیروهای مسلح نظامی متوسل می‌شد. کوتاه سخن، شاه برای ادامه سلطنت منحوس خود به سرنیزه تکیه می‌کرد. ولی رویدادهای کشور نشان داد که این حربه پرنده‌گی خود را از دست داده است. رژیم سرنگون شد. چه بسیار مردمان که جان خود را فدا کردند تا انقلاب خلقی، ضد استبدادی، ضد امپریالیستی و دمکراتیک ایران که در تاریخ نیم قرن اخیر جهان بی سابقه بود، به پیروزی برسد.

شاه به زباله‌دان تاریخ انداخته شد. اما خلائی که رژیم استبدادی با سرکوب و وحشیانه حزب توده ایران و دیگر نیروهای انقلابی و ملی در کشور به وجود آورده بود، موجب آن شد که خمینی و روحانیون حامی او با همدستی "چپه ملی" و "نهضت آزادی" حاکمیت را بدست گیرند. هنوز خون شهدای انقلاب از آسفالت خیابان‌ها زوده نشده بود که مبارزه میان روحانیون و مهندسان مکلاهی آنها از سویی و بورژوازی لیبرال از سوی دیگر آغاز گردید. در این مبارزه، خمینی و پیروانش چه وعده‌ها که ندادند. امروز پس از گذشت هفت سال از انقلاب بهمن، برای آنکه به فرق میان گفتار و کردار حکام امروزی پی ببریم، جای آن دارد تا گفته‌های خمینی را چه قبل و چه پس از پیروزی انقلاب از نظر بگذرانیم.

خمینی:

- در طول تاریخ حمایت حکومت‌ها از قلدرها بوده است... هرچه بودند برای ملک دارها و برای قدرت دارها، برای سرمایه دارها بودند.

- این نهضت از برکت شما زاغه نشین‌ها و امثال شما، یعنی این طبقه محروم پیشرفت کرده.

- فکر این زاغه نشین‌ها، فکر این مردمی که همه چیزشان را دادند و شما را به مسند نشاندند، فکر آنها را بکنید.

- ما با بی‌تجربگی آن کارهای انقلابی را که باید در اول انقلاب بشود با مسامحه گذرانیدیم و همان مسامحه موجب شد این گرفتاری‌ها را تا حالا پیدا کردیم و از این به بعد هم داریم مگر اینکه انقلابی چهارن کنیم.

- دو قشر از ملت ستون فقرات کشور و انقلابند. قشر کارگر، که با مجاهدت پیگیر خود انقلاب را به پیروزی رساند... قشر دوم کشاورزان و کارگران اساس استقلال کشورند.

- ما می‌گوئیم حکومت اسلامی، یعنی حکومت عدالت.

- این حکومت حیات ملی را باید نجات دهد. به مردم کشور آزادی و به کشور استقلال را بازگرداند و بهای نظام استثماری، عدالت اقتصادی را برقرار سازد.

- وضع در ایران به صورتی بوده است که حقوق کارگران و رعایا را سرمایه‌داران بزرگ و مالکین بزرگ برده‌اند و امروز هم دارند می‌برند.

- حکومت اسلامی ما متکی به آراء عمومی خواهد بود و همه احزابی که برای مصالح ملت کار کنند آزاد خواهند بود.

- فعالیت‌های سیاسی، در چارچوب قانون اساسی، از آثار شرایط عادی زندگی اجتماعی است.

- سند دست‌های پینه بسته روستائیان است نه کاغذهای جعلی تدوین شده.

- ما می‌خواهیم ذخائر مملکت مان خرج مملکت مان بشود، گرسنه‌ها را سیر کنیم، برهنه‌ها را لباس بدهیم، بی‌خانمان‌ها را خانه‌دار کنیم.

- البته که دولت اسلامی این زمین‌خواران بی‌انصاف را و این مفت‌خورهای بزرگ را سرچاپشان خواهد نشاند.

همه آنچه که سران رژیم می‌گفتند، خواست‌هایی بود که میلیون‌ها کارگر و دهقان طی مبارزه سرسخت و پیگیرشان علیه شاه در تظاهرات عظیم خود مطرح می‌کردند. توده‌های میلیونی خواهان آزادی، استقلال و عدالت اجتماعی بودند. این

بدان معنی بود که مردم میهن ما هرگونه نظام استبدادی را اعم از شکل سلطنتی و یا شکل تئوکراتیک آن محکوم می‌کردند. آنان خواهان ریشه کن کردن نفوذ شیطانی امپریالیسم از کشور بودند و می‌گفتند که ایران از آن ایرانیان است.

چنین بود رثوس خواست‌های آنان. توده‌های زحمتکش خواهان عدالت اجتماعی بودند، که معنایی جز پایان دادن به چپاول مستی کلان سرمایه‌دار و بزرگ مالک نداشت. آنان می‌گفتند باید استثمار فرد از فرد پایان پذیرد.

این خواست‌ها به اندازه‌ای روشن و فشار از "یائین" به اندازه‌ای قوی بود که بخش قابل ملاحظه‌ای از آنها در قانون اساسی جدید منعکس شد. به این اصول که در قانون اساسی رژیم

مغعکس است نظر افکنید:

- تامین نیازهای اساسی: مسکن، خوراک، پوشاک، بهداشت، درمان، آموزش و پرورش و امکانات لازم برای تشکیل خانواده برای همه،

- تامین شرایط و امکانات کار برای همه به منظور رسیدن به اشتغال کامل،

- آموزش و پرورش رایگان برای همه،

- طرد کامل استثمار و جلوگیری از نفوذ خارجی؛

- محور هرگونه استبداد و خودکامگی و انحصارطلبی؛

- تامین آزادی‌های سیاسی و اجتماعی در حدود قانون؛

- تامین حقوق همه جانبه افراد، از زن و مرد، و ایجاد امنیت قضایی عادلانه برای همه و تساوی عموم در برابر قانون؛

- منع هرگونه قرارداد که موجب سلطه بیگانه بر منابع طبیعی و اقتصادی و فرهنگ، ارتش و دیگر شئون کشور گردد؛

- مشارکت عامه مردم در تعیین سرنوشت

سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خویش. ولی نتیجه چه شد؟

پی‌آمدهای مخوب

حکمرانی رژیم ج.ا.

در حیات خلق‌ها حوادثی روی می‌دهد که در صورت بهره‌گیری صحیح و منطقی از آنها می‌توان خلقی را به سعادت رساند و یا برعکس به ورطه فقر و بدبختی کشاند. طی چند سال اخیر، یعنی از سال ۱۳۵۲ تا سال ۱۳۶۰ دو بار چنین حوادثی در حیات مردم کشور ما روی داد. افزایش سریع قیمت نفت از سال ۱۳۵۲ و متعاقب آن افزایش درآمد ایران از نفت در زمان شاه نخستین شانس بود که می‌توانست به تحول نسبی در جامعه منجر شود. ولی چنانکه گفتیم خصلت طبقاتی رژیم ستشامی مانع از آن شد.

قطع صدور نفت در نتیجه اعتصاب تاریخی نفتگران ایران، چنان تزلزلی در بازار جهانی نفت بوجود آورد که قیمت نفت با سرعت فوق العاده‌ای روبه افزایش گذاشت و به شکله‌ای ۲۵ تا ۴۰ دلار رسید و پس از آغاز صدور نفت نیز در سطح ۲۵ دلار تثبیت شد. این شانس دومی بود که راه اعتلاء جامعه ما را می‌گشود. از ۱۳۵۸ تا آغاز سال ۱۳۶۴ رژیم ج.ا. مبلغی حدود ۱.۸ میلیارد دلار از فروش نفت به دست آورد. مردم ایران انتظار آن را داشتند تا رژیم با عبرت از گذشته این بار گام در راه رشد اجتماعی - اقتصادی مترقی بگذارد. آنها در این راه مبارزه کردند و بازم قربانی دادند. ولی راهی که سرانجام رژیم ج.ا. در پیش گرفت، در واقع تکرار راهی بود که رژیم گذشته پیموده بود.

تجار بزرگ که خمینی آنها را "بازاریان محترم" می‌نامد چایگزین گروه‌های صنعتی - مالی دوران شاه شدند. سود بخش خصوصی سرمایه‌داری در یک سال به ۲۵۰ میلیارد تومان بالغ شد که در تاریخ معاصر ایران سابقه نداشت. نقدینگی متمرکز در دست عده معدودی از کلان سرمایه‌داران به ۹۰۰۰ میلیارد ریال رسید که بیش از درآمد سالیانه رژیم است.

قیمت‌ها سیر صعودی پیمودند، تورم که اینک به ۵۰ درصد رسیده فقر و فلاکت توده‌ها را تعقیب بخشید. بازگشت زمین‌داران بزرگ به روستاها باعث گردید که سیل روستائیان ورشکست شده روانه شهرها شوند. نهود ارز برای خرید مواد اولیه، یدکی و قطعات منفرسه، کارخانه‌های وابسته به تجدید تولید جهان سرمایه‌داری را یکی پس از دیگری به تعطیلی کشاند و یا موجهات کاهش تولید آنها را فراهم آورد. تعداد بیکاران روبه افزایش گذاشت و به سرحد ۲ میلیون نفر رسید. شکاف درآمدها بیشتر شد. در حالی که ۲۰ درصد از افراد جامعه، بیش از ۵۰ درصد درآمد جامعه را به خود اختصاص داده‌اند، ۸۰ درصد در شرایط فقر و گرسنگی و بی‌خانمانی بسر می‌برند.

روحانیون حاکم که زمانی پایان دادن به وابستگی کشور از درآمد نفت و دستیابی به خود کفایی در عرصه‌های صنعت و کشاورزی را مطرح

رژیم ترور و اختناق

تشدید ترور و اختناق و سلب هرگونه آزادی های دمکراتیک نتیجه چهری سیاست ضد خلقی رژیم جمهوری اسلامی است. وقتی رژیمی که با حمایت توده ها زمام اداره کشور را بدست می گیرد و سپس پشت به آنها می کند و منافع مشتکی غارتگر را بر منافع توده های میلیونی زحمتکشان و مصالح کشور ترجیح می دهد، برای حفظ حاکمیت خود باید به ارگان های سرکوبگر تکیه کند. آنچه امروز در کشور ما حکومت می کند، حکومت ارباب است. سران ارگان های سرکوبگر نیز به این واقعیت معترفند.

زندان های ایران انباشته از بهترین دختران و پسران خلق های ماست. هزاران انقلابی صادق به جوخه های اعدام سپرده شده اند. صدها نفر از مبارزین راه آزادی زحمتکش زیر شکنجه های فاشیستی حکام ددمنش شهید و یا علیل شده اند. در حالی که ده ها هزار توده ای و فدائی و مجاهد و دیگر اعضا سازمان های مترقی در شکنجه گاه ها و فراموشخانه های رژیم محسوس هستند، هاشمی رفسنجانی یکی از مهره های برجسته رژیم "ولایت فقیه" افتخار می کند که حتی یک نفر ساواکی در زندان های ج.ا. نیست. او دانسته و یا ندانسته چهره رژیم ضد خلقی را افشای می کند.

سران ج.ا. می توانند با کشتار و شکنجه میهن دوستان ایرانی چند صراحی به حاکمیت خونین خود ادامه دهند، ولی تاریخ همه خلق ها و از همه مهمتر تاریخ میهن بلاکشیده خود ما، نشان داده و به ثبوت رسانده که با تکیه بر ارگان های سرکوبگر نمی توان بر چهل و چند میلیون ایرانی برای مدت طولانی حکومت کرد. رژیمی که فرهنگ و هنر ملی خلق های ما را لندمال کرده، رژیمی که زنان قهرمان ما را که نقش برجسته در پیروزی رساندن انقلاب داشتند به غل و زنجیر سنن عقب مانده کشیده و حتی حق نفس آزاد کشیدن را از مردم سلب کرده، نمی تواند دوام و بقایی داشته باشد.

رژیمی که به خواست حقه خلق های ایران دایر بر خود مختاری با تانک و توپ و بمب پاسخ می گوید و هزاران زن و کودک و پیرمرد بی گناه راه هلاکت می رساند و شهرها و روستاهای آنها را با خاک یکسان می کند، محکوم به زوال است.

مبارزه ادامه دارد

هفت سال پس از انقلاب، مبارزه در بطن جامعه ادامه دارد. فقط طی شش ماهه اول امسال بیش از ۱۲۰ اعتصاب در کارخانه های ایران روی

می ساختند، با اتخاذ سیاست عمیقاً ضد خلقی نه تنها گره وابستگی اقتصادی را نگشودند، بلکه آن را محکم تر کردند. وقتی که "کیهان" می نویسد: "همه چیز ما الان در گرو واردات است، یعنی صنعت مادر گرو واردات است، رزق و روزی مردم هم در گرو واردات است" ناخواسته ژرفا و وسعت بحران عمیقی را که جامعه بدان دچار است، نشان می دهد. وقتی ۲۸ درصد صادرات ایران را نفت خام تشکیل می دهد، طبعا حیات میلیونها ایرانی به نوسانات عرضه و تقاضا و مالا تزلزل قیمت نفت در بازار جهان سرمایه داری وابسته خواهد شد. اکنون با تزلزل قیمت هر بشکه نفت از ۲۷ دلار به ۱۷ دلار و پیش بینی سقوط آن تا ۱۵ دلار، بحران مالی که رژیم با آن روبرو است پیش از پیش تشدید خواهد شد. در نتیجه فقر مفرط بخش عظیمی از جامعه، تراکم ثروت در قطب های ویژه، دزدی، رشوه خواری، فساد و... در جامعه گسترش خواهد یافت.

رژیم چنانچه پیشه ج.ا. با احیاء مواضع سرمایه داری وابسته و نوسازی مواضع اقتصادی از دست رفته امپریالیسم در ایران به طور عمده به همان سیاستی ادامه می دهد که شاه و اعوان و انصارش مبتکر آن بودند.

جنگ، جنگ تا بدبختی

این شعار است که مردم ایران در پاسخ به شعار "جنگ - جنگ تا پیروزی" رژیم سرمایه دهند. مردم ایران خواهان صلح هستند و از جنگ بیزارند. مبارزه توده ها در راه صلح پایه های مادی دارد. طبق آماري که در مجلس شورای اسلامی مطرح شد، تعداد کشته شدگان و معلولین جنگی به ۷۰۰ هزار نفر بالغ می شود. کار رسوایی رژیم به چایی کشیده که شاگردان مدرسه را از سر کلاس درس روانه کشتارگاهی به نام چهبه جنگ می کند. آمار نوجوانان کشته شده در چهبه ها را از افکار عمومی پنهان می کنند. ولی تعداد آنها بالغ بر ده ها هزار نفر است.

جنگ نصف بیشتر بودجه کشور را می بلعد. فقط هزینه های ارزی جنگ ماهانه به ۲۵۰ میلیون دلار می رسد. جنگ به عامل کشتار توده های زحمتکش تهدیل شده و منبهم درآمد سرشار برای سران رژیم و مهندسان بازاری آنهاست.

خساراتی که جنگ به شهرها و روستاهای کشور وارد ساخته به ۲۵۰ میلیارد دلار بالغ می شود. طبق محاسبه کارشناسان خارجی، ایران برای از بین بردن آثار مخرب جنگ به ۲۰ سال وقت و صدها میلیارد دلار سرمایه نیاز خواهد داشت. یعنی نسل آینده نیز باید باج توطئه امپریالیسم و خیانت خمینی و پیروانش را بپردازد.

تعداد آوارگان جنگی که خانه و کاشانه خود را از دست داده و اکثراً در حواشی شهرهای بزرگ در چادرها زندگی می کنند به ۲ میلیون نفر بالغ می شود. جنگ نسل جدیدی در کشور به وجود آورده - نسل معلولین. اکثریت مطلق اینها جوانانی هستند که کشور ما به نیروی کار خلاق آنها نیاز مبرم دارد.

داده که در آن هزاران کارگر شرکت کرده اند. اگر تظاهرات و اعتراضات و کم کاریها و فرار از چهبه ها و غیره را نیز در نظر بگیریم، شاهد روند تدریجی تشدید مقاومت توده ها علیه رژیم خونخوار خمینی خواهیم بود. این نیز طبیعی است. مردم میهن ما که در کوره پیکار علیه رژیم شاه آبدیده شده و تجربه آموخته اند، اجازه نخواهند داد تا مشتکی خائن ثمره خون های ریخته شده را برپا دهند.

اینکه رژیم علیرغم افزایش تعداد ارگان های سرکوبگر و سرکوب هرگونه اعتراض تا امروز نتوانسته از ثبات نسبی برخوردار گردد، نتیجه مبارزه ای است که در جامعه ما ادامه دارد. اختلاف ها میان جناح های گوناگون حاکمیت که هفت سال است ادامه دارد و در مواردی عمیق است بازتاب پیکار در "پایین" است. رژیم قادر نخواهد بود با هیچ طرفندی پایه های لرزان خود را تحکیم بخشد. انتخاب منتظری به عنوان چانشین خمینی نه تنها بیماری رژیم "ولایت فقیه" را تسکین نداده، بلکه آن را تشدید نیز کرده است. آنچه امروز در کشور ما می گذرد، دوران پایان رژیم منحوس سلطنتی را در خاطره ها زنده می کند. معضلاتی که در آن ایام تضاد میان رژیم شاه و خلق را به وجود آورد، امروز نیز با شدت و حدت در حال بروز است. ساختار دولتی، خصلت

آن و سیاست رژیم در مجموعه خود سد راه تحقق آماج های مردم ایران در انقلاب بهمن ۵۷ هستند. این سد را باید درهم شکست و به جنگ امپریالیسم برافروخته پایان داد و به آماج های مردمی انقلاب - آزادی، استقلال، عدالت اجتماعی - جامه عمل پوشاند. مردم میهن ما، صرف نظر از عقاید و نظرات گوناگون، با اتحاد و اتفاق موفق به پایان دادن به عمر نامیوس این رژیم خواهند شد. ما تردیدی نداریم که همه نیروهای سیاسی صادق به آماج های انقلاب بهمن ۵۷ در این مبارزه در کنار مردم و در صف واحدی قرار خواهند گرفت. این حکم تاریخ است. هر سازمان و حزب سیاسی مترقی و ملی که خواهد این حکم تاریخ را نادیده بگیرد، آگاهانه خود را از توده ها جدا خواهد کرد.

ما اعتقاد راسخ داریم که توده های میلیونی زحمتکش و در راس آنان پرولتاریای صنعتی ایران دوشادوش روشنفکران و دانشجویان مبارز و میهن پرست، هشتمین سال پیروزی انقلاب را به سال تشدید مبارزه علیه رژیم ضد خلقی ج.ا. تبدیل خواهند کرد. این رژیم را باید سرنگون کرد و بر ویرانه آن ایرانی آزاد، آباد و مستقل ساخت. مردم مبارز ایران از عهده این وظیفه مقدس برخوردار خواهند آمد.

وحدت عمل برای نجات جان زندانیان سیاسی، وظیفه عاجل و نیروهای دمکراتیک و مترقی است!

از انقلاب صادقانه بیاموزیم

برای روزهای رویارویی نهایی با خیزش خلق می‌اندیشند. از سوی دیگر سازمان‌های مترقی و انقلابی، امر سازماندهی مجدد نیروهای خویش بر بستر جنبش توده‌ای را علیرغم فشار شبکه‌های اطلاعاتی و سرکوبگر رژیم پیروزمندان پیش می‌برند و به تعرض متقابل دست می‌زنند. اما واقعیت آن است که سرعت تمرکز و سازمان‌یابی نیروهای انقلابی هیچ روی پاسخگوی نیازهای جنبش روبه اعتلای توده‌ها در مقابله با ارتجاع حاکم نیست. بزرگترین نقطه ضعف روند انقلابی، یعنی پراکندگی نیروهای انقلابی، کم و بیش به قوت خود باقی است. و نیروهای ناهمگونی با انگیزه‌های گوناگون دامن زدن به این تفرقه دشمن شادکن را از وظایف خود می‌شمارند. از جمله بحث بر سر درسهای انقلاب بهمین تجربه آموزی از آن (که بدون شک به شکل سالم و آموزنده ضرورت دارد) یکی از مهمترین زمینه‌هایی است که طی آن با مرزبندی‌های مصنوعی و فرقه‌گرایانه میان منافع و خط مشی‌ها و عملکردهای گردان‌های مختلف جنبش انقلابی، بهای تقویت کرایش اتحادگرا، آتش نفاق میان نیروهای انقلابی را دامن می‌زند.

برای پیشروان خلقی که راه انقلاب را به مثابه شاهره پیشرفت اجتماعی برمی‌گزینند، این اصل اساسی هر استراتژی مبارزاتی که لازمه پیروزی، تأمین تمرکز هرچه بیشتر نیروها در اردوی خودی و پیشترین پراکندگی در اردوی دشمن است، می‌بایست تعیین کننده یکایک تاکتیک‌های سیاسی باشد. با این همه برای جنبش انقلابی میهن ما، که طی یک قرن گذشته ۱۵-۱۰ سال یکبار خیزش عظیم توده‌ها در راه آزادی، استقلال و عدالت اجتماعی را تجربه کرده است، پیروی از این اصل، جز در مقاطع محدود هرگز بصورت راهنمای مجموعه جنبش انقلابی در نیامده است. در واقع این تنها کمونیست‌های ایران بوده‌اند که چه در انقلاب گیلان، چه در جنبش ملی کردن نفت، و چه در انقلاب بهمین علیرغم برخی کاستی‌ها همواره پیگیرترین رزمندگان راه اتحاد همه نیروهای انقلابی ایران بوده‌اند. در همه این تجارب تاریخ ساز، آنکاه که حداقل اتحاد لازم میان نیروهای انقلابی برقرار بود، جنبش انقلابی راه اعتلای پیروزمندان را پیموده است، و آنکاه که پراکندگی در میان نیروهای مترقی جایگزین وحدت عمل می‌شد، امپریالیسم و ارتجاع داخلی فرصت را برای وارد آوردن ضربات سنگین به جنبش مناسب می‌یافته‌اند. غفلت نیروهای انقلابی از این واقعیت مسلم، و آمادگی آنان برای میدان دادن به کرایش‌های تفرقه افکنان، برجسته ترین شاهد ناپختگی و کم تجربهگی جنبش انقلابی میهن ما بوده است. بررسی تجربه انقلاب بهمین در این عرصه، یکبار دیگر این کوشش تاریخ را تکان دهنده تر و تاسف آورتر از همیشه تکرار می‌کند.

انقلاب بهمین با شرکت طیف وسیعی از نیروهای سیاسی دارای دیدگاه‌ها و پایگاه‌های اجتماعی

گوناگون به پیروزی رسید. شناخت پایگاه اجتماعی، شاخص‌های ایدئولوژیک و هدف‌های سیاسی بورژوازی لیبرال و جناح ارتجاعی روحانیت - با همه ناهمگونی‌شان - به انقلابیون ایران امکان این پیش بینی را می‌داد که این نیروها در هراس از گسترش و تعمیق انقلاب، دیر یا زود در مقابل تحقق آماج‌های ضد امپریالیستی و مردمی آن خواهند ایستاد، امری که در همان ماه‌های نخست با تشکیل جناح بندی هرچند متزلزل آنها عینیت یافت. در این حال مسئولیت اساسی گردآوری همه نیروهای ملی و دمکراتیک و سازماندهی آنها در جبهه متحد خلق - بمثابة تنها ضامن اعتلای پیروزمند انقلاب بهمین - به عهده پیروان سوسیالیسم علمی و دیگر نیروهای مبارز و انقلابی ایران بود. اگر فراموش نکنیم که اکثریت عظیم توده‌های چندین میلیون، هنگامی که رژیم ستشاهی را برمی‌انداختند، از هدف‌ها، منافع و سیاست نمایندگان طبقات مختلف تصویر روشن و شناخت عمیقی نداشتند و در سازمان‌های صغفی و سیاسی خود متشکل نبودند، دشواری وظیفه روشنگری و سازماندهی توده‌ها که تاریخ پرروش انقلابیون ایران گذارده بود، آشکارتر می‌شود.

اینک هنگامی که به بازبینی تجربه انقلاب می‌پردازیم، روشن تر از گذشته می‌توان دریافت، که این نیروها تنها تا مقطع معینی از پیشرفت انقلاب توانستند وحدت عمل و حداقل اتحاد سیاسی لازم را در میان خویش حفظ کنند. همسانی و همگونی نسبی سیاستی که هریک از این نیروها جداگانه در برابر ائتلاف بورژوازی لیبرال و روحانیون مرتجع پیش می‌بردند، در مجموع با منافع خلق تطبیق داشت و همچون منبع فشار دائمی عمل می‌کرد. دستاوردهای این وحدت عمل کوتاه مدت کم و بیش برابر با همه دستاوردهای انقلاب بهمین بود: به پاس وحدت عمل، به ابتکار و تحت فشار این نیروها بود که قیام مسلحانه ۲۲ - ۲۰ بهمن ۵۷ شکل گرفت، رژیم وابسته به امپریالیسم سرنگون شد، ضربات سنگینی بر ماشین نظامی - بوروکراتیک حاکم و بورژوازی بزرگ وابسته وارد آمد، بهار آزادی - هر چند کوتاه زمان - بر میهن ما نیز گذر کرد، شوراهای کارگری اداره کارخانه‌ها را در اختیار گرفتند، صدها هزار هکتار زمین میان دهقانان تقسیم شد، کردستان برای ماه‌هایی چند در عمل از خودمختاری برخوردار شد و جهشی عظیم در سطح آگاهی ملی و طبقاتی زحمتکشان پدید آمد. به بیان دیگر به یمن حضور و فعالیت این سازمان‌ها و برخی دیگر از نیروهای مترقی انقلاب راهی‌بخش بهمین، ماهیت ملی و دمکراتیک پیدا کرد، و در صورتی که - چنان که پیروان سوسیالیسم علمی قاطعانه و به تأکید اصرار داشتند - این روند اتحاد گرای راه اعتلای می‌پیمود، چه بسا که پیروزی نهایی انقلاب ملی و دمکراتیک ایران هم امروز تأمین شده بود.

متأسفانه این وحدت عمل دیری نپایید. هریک از گردان‌های انقلاب بزودی دچار این توهم شدند که گویا قادرند به تنهایی ایفاگر وظیفه‌ای باشند که تاریخ به عهده جبهه متحد خلق

می‌گذارد، و از اینرو لازم دیدند که بر اساس اطلاعات، ارزیابی، تحلیل و مقتضیات ویژه مبارزه خویش، جداگانه و با احتراز از هرگونه مذاکره‌ای با دیگران، به رویارویی با رژیم برخیزند، و بی آنکه از حمایت توده‌ای یا پشتیبانی جدی دیگر سازمان‌های انقلابی برخوردار شوند، در نهری ناپراهر و زودرس سنگین ترین ضربات را متحمل شوند. در همان حال هریک از این سازمان‌ها خواستار آن بودند که دیگران غیابا به صحت مشی و اقدام سیاسی آنان رای دهند و به هر تردید و مخالفتی با این خواست مهر "فرصت طلبی" و حتی "خیانت" می‌کوبیدند. تا آنجا که پس از چندی، حزب تنوده ایران و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در حالی که دعوت‌های مکرر آنان به تشکیل جبهه متحد خلق در این مرحله از انقلاب در واقع با عکس العمل خصمانه دیگر نیروهای مترقی مواجه شده بود، برای مدتی ناگزیر شدند به تنهایی وظیفه روشنگری و سازماندهی توده‌ای را به عهده بگیرند.

امروز، در هفتمین سالگرد انقلاب بهمین، پیکار قهرمانانه توده‌ای و فدائیان در زندان‌های رژیم، پای چوبه‌های تیرباران و در کارخانه‌ها و روستاها و خیابان‌ها، در راه سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی مرحله تازه‌ای را در زرفش جنبش انقلابی میهن ما گشوده است. این خود بارزترین گواه پوچی دعوی آن سازمان‌هایی است که گویا به بهانه داشتن مشی "سازشکارانه" از همکاری با اکثریت عظیم پیروان سوسیالیسم علمی ایران سرباز می‌زدند. در عین حال در مرحله اخیر نیز حزب ما با درک ضرورت مبارزه متشکل می‌کوشد تا شرایط سیاسی لازم را برای تأمین اتحاد گسترده نیروهای انقلابی و مترقی ایران فراهم کند. اما هنوز بسیاری از سازمان‌های انقلابی که همچنان دچار این توهمند که گویا به تنهایی قادرند هم تشکیل دهنده جبهه متحد خلق و هم رهبر آن باشند، و از این هم بدتر، درس تاریخ را وارونه تفسیر می‌کنند و به این نتیجه می‌رسند که با تشدید کارزار ضد توده‌ای می‌توانند رسالت خویش را جامه عمل ببوشانند.

پیروزی انقلاب ملی - دمکراتیک ایران در گرو وحدت عمل، اتحاد تنگاتنگ نیروهای انقلابی و مترقی و در عالیترین شکل تشکیل جبهه متحد خلق است. تصمیم شجاعانه و راهگشا در راه سازمان دادن تماس و مذاکره میان رهبری سازمان‌های انقلابی، کام تعیین کننده‌ای در راه گشایش افقی نوین پیشاروی جنبش انقلابی ایران است. این تنها درسی است که در این عرصه می‌توان از انقلاب بهمین آموخت. آن سازمان‌های انقلابی که به این ضرورت مهم بی‌توجه می‌مانند، تنها عدم آمادگی و بلوغ خود برای ایفای وظیفه تاریخی خویش را به نمایش می‌گذارند.

بیاموزیم - افشاکنیم
سازمان دهیم

به مامی نویسنند

اعتصاب در "ویتانا"

در نیمه دی ماه کارگران ویتانا برای دستیابی به خواسته‌های صنفی خود اعتصاب کردند و به مدیریت کارخانه یک هفته مهلت دادند تا در این باره اقدام کند. این مسئله موجب درگیری شد و با دخالت سپاه گروهی از کارگران دستگیر شدند.

اخراج ۴۰۰ کارگزار "آزمایش"

در روند اخراج کارگران از واحدهای مختلف تولیدی، مدیریت کارخانه آزمایش نیز دست به اخراج گروه‌هایی از کارکنان این واحد زد. اخراج های گروهی در "آزمایش" از چندی پیش آغاز شده و گفته می شود بنا به توافقی که با وزارت کار به عمل آمده ۴۰۰ نفر از کارگران اخراج می شوند. مدیریت کارخانه برای آن که سروصدا بلند نشود برنامه اخراج را به تدریج عملی می سازد. موج اعتراض در آزمایش روزبه روز افزایش می یابد.

پازگشت سهامداران سابق به "کاتریپلار"

سهامداران سابق کارخانه "کاتریپلار" پازگشته و رسا اداره امور این واحد را به دست گرفته‌اند. در جلسه معارفه‌ای که برای معرفی مجدد مدیر دوران قبل از انقلاب برگزار شد، کارگران با شعار ما مدیر ساواکی نمی خواهیم، مانع سخنرانی وی شدند. گسترش اعتراض کارکنان موجب اعتصاب یک روزه شد.

پازگشت مدیریت سابق "ساکا"

به دستور وزارت صنایع مدیریت سابق کارخانه "ساکا" (در قبل از انقلاب) اداره امور این کارخانه را به عهده گرفت. این تغییر و تحول موجب اعتراض شدید کارگران شد و یکی از اعضای شورای جدید مدیریت در محوطه خارج از کارخانه به شدت مشروب گردید.

دانش آموزان به چپه چنگ نمی روند

گروهی از ماموران سپاه و بسیج برای جذب دانش آموزان به چپه به دبیرستان دمخدا واقع در سه راه دانشکده در کرج مراجعه کردند. هنگامی که سرپرست گروه در مراسم صحبتهای شروع به سخنرانی کرد دانش آموزان او را هو و شروع به ترک مراسم کردند. قضیه به درگیری و زدوخورد انجامید و عده‌ای از دانش آموزان دستگیر شدند. هنوز یکی از دانش آموزان که کتک مفصلی از بسیجی ها و سپاه خورده بود به اتهام "واپستگی به گروهک ما" زندانی است.

چند خبر کوتاه

- قیمت شکر در بازار سپاه به کیلوئی پنجاه تومان و حتی بیشتر رسیده است.

- بسیاری از داروهای اساسی مورد نیاز مردم

سالروز تأسیس

به دنبال حمله ددمشانه رژیم جنایت پیشه ج.ا. به مراکز فعالیت و خانه‌های اعضا تشکیلات دمکراتیک زنان ایران، گروه بزرگی از اعضا هرچسته و مهارزان دستگیر و به شکنجه گاه‌های رژیم سپرده شدند. تنها جرم این گروه از زنان بیکار چوی میهن دفاع بیکبر از انقلاب و دست آوردهای آن و حمایت همه جانبه از حقوق زنان کشور است.

زنان زحمتکش و بیدار!

میهن استبداد زده ما، شرایط بسیار دشواری را از سر می گذرانند. رژیم چهل و جنون و جنایت با کاربست ارتجاعی ترین شیوه‌های قرون وسطائی زیر پوشش "شرع" شخصیت انسانی و حقوقی قانونی زنان کشورمان را لگدمال کرده است. امروز زن از دیدگاه سران جمهوری اسلامی موجودی است زیر فشار، فاقد حق و مطرود به شمار می رود. زنان را به جرم نشان دادن تارموی خود شلاق می زنند، سنگسار کردن آنان یک وظیفه "شرعی" تلقی می شود. تعداد زنان مبارز و میهن پرستی که طی سه ساله اخیر به جوخه‌های اعدام سپرده شده اند بیش از ۱۵۰۰ نفر است که در میان آنها زنان باردار، زنان سالمند ۵۰ تا ۷۰ ساله و دختران نوجوان ۱۲ تا ۱۵ ساله وجود داشته‌اند. اخراج زنان از محیطهای کار و محروم کردن آنان از تحصیل در بسیاری از رشته‌های دانشگاهی شکل قانونی به خود گرفته است و...

زنان مبارز و آگاه!

این پایمال سازی ابتدایی ترین آزادی‌ها و حقوق انسانی باید پایان پذیرد. عزم راسخ خود را در پیکاری مقدس و نهردی سرنوشت ساز و خستگی ناپذیر علیه دشمنان آزادی و استقلال ایران به کار گیرید!

زنان قهرمان را از چنگال دژخیمان ج.ا. نجات دهید! بدانید که در شرایط کنونی کشور، نیروی متحد و متشکل شما نیرومندترین حربه مبارزاتی در برابر رژیم ضد خلقی ج.ا. است. فعالین و مواداران تشکیلات دمکراتیک زنان ایران نیز وظیفه دارند در ادامه وظایف خود در این لحظات حساس به کار سازماندهی در میان توده‌های زنان بپردازند، به مبارزه آنان سمت و سوی صحیح ببخشند و آنان را به تهیه طومار و نامه‌های دسته جمعی و ارسال به ارگان‌ها و نهادهای دولتی، برپایی تظاهرات و اعتصابات و راهپیمایی‌های جمعی و توسل به شیوه‌های ابتکاری مبارزه و مقاومت در محیط‌های کار و زندگی تشویق کنند.

پیدانمی شود.

- شرایط خروج از کشور سخت و برهم‌زان خروج غیرقانونی افزوده شده است.

- "انجمن اسلامی خواهران" در دانشگاه تاسیس شد. انجمن اسلامی دانشگاه طی اعلامیه‌ای نسبت به انجمن جدید به فحاشی پرداخت و آن را واپسته به جریان خاص قلمداد کرد.

رسوایی‌های تازه پیرامون

زیر شکنجه بودم. چند روز پس از آن من و هم بندهایم را سوار یک کامیون کاملاً پوشیده کردند و به ستاد یک تیپ فرستادند. در آنجا چشمانمان را بستند و مرا نزد یک دکتر بردند. این دکتر به جای اینکه ما را معاینه کند با تازیانه به نقاط مختلف بدنمان می زد. سپس ما را به اتاقی بردند که مستراحی با بوی تعفن شدید در داخل آن بود. برای چهل نفری که در این اتاق زندانی شدیم روز سی لیتر آب برای تمام احتیاجات می دادند. یکی یکی ما را به بازجویی می بردند و خرد و خمیر بازمی گرداندند.

بعد نویسنده مقاله شرح می دهد که چه شکنجه‌هایی را در زندان مدرن لشکر مفتحم تحمل کرده که با داشتن کنجایش ۱۵۰۰ نفر پیش از سه هزار پیر و جوان، زن و مرد و کودک را در آن ریخته بودند. شب و روز فریاد ناله و فغان زندانیان همراه خنده جلدان بگوش می رسیده است. همه زندانیان تازه وارد از زبردست رئیس زندان که خود نیز در شکنجه‌ها شرکت می کرده است می گلاشته‌اند.

انسان بی اختیار به یاد جمهوری اسلامی، زندان اوین، لاجوردی رئیس سابق زندان و شکنجه گران "پیرو ولایت فقیه" می افتد.

روزنامه "ریز سپاستیس" در پایان مقاله می پرسد "چطور ممکن است در کشور همسایه ما ترکیه چنین جنایاتی صورت گیرد؟"

یک هفته پس از انتشار این مقاله خبرگزاری

آلمان غربی (د پ - آ) از ترکیه گزارش داد که یک پلیس ترک اعتراف کرده که در شکنجه کردن دو بیست زندانی سیاسی شرکت داشته است. مجله هفتگی "نکتا" چاپ آنکارا که اعترافات این پلیس را منتشر کرده از قول او فاش می کند که به عنوان عضو یک واحد متحرک بازجویی مرکب از سه نفر چطور زنی را که تصور کرده اند نامه رسان گروه‌های مخفی است در سال ۱۹۸۲ تا حد مرگ شکنجه کرده و او را کشته‌اند. بسیاری از همکاران این پلیس پس از کار روزانه "نمی توانسته‌اند بخواهند اما چرات استعفا هم نداشتند زیرا" خیلی می دانستند" و ممکن بوده سر به نیست شان سازند.

این پلیس توضیح می دهد که موثرترین وسیله شکنجه به اصطلاح "دار" بوده است که دست و پای زندانی را از پشت به سقف می بسته‌اند و چهار پایه را از زیرپایش برمی داشته‌اند. درد آنقدر شدید بوده که نیرومندترین مردان پس از بیست دقیقه بیهوش می شدند. شیوه‌های دیگر شکنجه برای گرفتن اعترافات تجاوزات جنسی و یا خواباندن روی تشک خیس شده با آب نمک بوده که اثر شوک الکتریکی را تشدید می کند.

آری، وضع در کشور ترکیه عضو ناتو چنین است و در جمهوری "نه شرقی نه غربی" از آن هم بدتر. پاکستان هم که مستغنی از توصیف است. معلوم می شود نزدیکی بیش از حد این سه کشور "اسلامی" برای مبارزه با "کمونیسم" شیوه‌های حکومتی شان را نیز یکسان کرده است.

دیدار نمایندگان اتحادیه کارگری "دیسک" ترکیه و کمیسیون ارتباطات سندیکیایی زحمتکشان ایران

دیداری میان هیات نمایندگی "کمیسیون ارتباطات سندیکاهاى زحمتکشان ایران" و اتحادیه "دیسک" (ترکیه) انجام گرفت. دو هیات نمایندگی در فضائی آکنده از اعتماد و تفاهم و دوستی متقابل پیرامون اوضاع و احوال حاکم بر ایران و ترکیه، مهارزات طبقه کارگر و جنبش سندیکیائی بخاطر دفاع از حقوق خود، دمکراسی و صلح به گفتگو نشستند.

کمال دیسال، عضو هیات دبیران سندیکیای "دیسک" در بخشی از سخنان خود گفت:

"در بی کودتای نظامی در ترکیه (سپتامبر ۱۹۸۰، پیگرد و سرکوب علیه نیروهای دمکراتیک و جنبش سندیکیایی گسترش یافت و اتحادیه "دیسک" که به گونه ای فعال در راه حقوق زحمتکشان مبارزه می کرد، غیرقانونی اعلام گردید. ده ها هزار تن بازداشت شدند و یک دادگاه فرمایشی برای ۵۷ تن از رهبران "دیسک" تقاضای حکم اعدام کرد. حقوق سندیکیایی، قرارداد دسته جمعی که در کشورهای سرمایه داری اروپا و حتی در قانون کار ترکیه نیز به رسمیت شناخته شده است، پایمال گردید.

در این ۴ سال، قدرت خرید توده ما تا ۵۰ درصد کاهش یافت. از این رو زحمتکشان در سطح گسترده ای واکنش نشان دادند و از سال ۱۹۸۴ این جنبش اوج تازه ای به خود رفت. سندیکیای ترک-ایش نیز کم و بیش در برابر رویدادهای جامعه به موضکیبرداری پرداخت. زیر فشار جنبش و همبستگی بین المللی، رژیم ناکزیر گردید که حداقل حقوق را برای زحمتکشان به رسمیت بشناسد و همچنین رهبران بازداشت شده سندیکیاها را آزاد کند. با این حال رهبران آزاد شده تحت نظر قرار گرفتند و دادگاه ها همچنان ادامه دارد. در شرایط کنونی، علیرغم مقاومت دولت و کارفرمایان، بحث پیرامون انعقاد قرارداد دسته جمعی ادامه دارد."

آنگاه کمال دیسال درباره هدف های کنونی "دیسک" در این مرحله از مبارزه گفت:

"هدف کنونی ما عبارت است از لغو کلیه قوانین ضد کارگری، برسمیت شناختن آزادی و حقوق زحمتکشان، الغاء غیرقانونی بودن "دیسک" و کوتاه کردن دست دولت در اعمال فشار علیه قرارداد دسته جمعی". وی از جمله تأکید کرده "ما به منظور دستیابی به هدف خود باید همچنان به مبارزه علیه فاشیسم ادامه دهیم."

وی در پایان خاطر نشان ساخت:

"دیسک" یک کنفدراسیون بزرگی و دربرگیرنده گرایش های گوناگون است. ما تلاش

رسوایی های تازه پیرامون شکنجه در زندان های ترکیه

دوست در آن روزهایی که تورکوت اوزال نخست وزیر ترکیه و همراهان سرگرم دیدار از ایران و زدوبند با مقامات جمهوری اسلامی بودند روزنامه "ریز سیاستس" ارگان حزب کمونیست یونان مقاله ای به قلم یک دموکرات ترک زیر عنوان "پشت روپند دمکراسی" منتشر کرد.

پس از یادآوری این واقعیت تلخ که اکنون در ترکیه ۶۰ هزار زندانی سیاسی وجود دارد که از شکنجه و پیگرد و ترور وحشیانه رنج می برند، نویسنده مقاله سرگذشت خود را چنین بیان می کند:

"یک شب ما را از خانه هایمان بیرون کشیدند و سوار کامیون های نظامی کردند. در همان حال ما را تهدید می نمودند که اگر پلافاصله نگوئیم با کدام کمونیست ها ارتباط داریم کامیون ما را نگاه می دارند و تیربارانمان می کنند. بالاخره وارد یک سربازخانه شدید که پر از افسر و گروهان و تعدادی شخصی که بعدها فهمیدیم ماموران "سازمان تجسس ملی" بوده اند. بازپرسی من شروع شد. مرا به سقف آویزان کردند و در همان حال زدن با پاتوم را آغاز نمودند. با شوک الکتریکی در مواضع حساس بدن - گوش ها، انگشتان، گردن، آلت تناسلی و غیره مرا شکنجه می دادند. هم زمان با آنها چند شکنجه گرد دیگر موهای تنم را می کندند و یابا کهریت آنها را می سوزاندند. این شکنجه ها در روز اول چهار ساعت طول کشید و در نتیجه آنها از نقاط مختلف بدنم خون جاری شده بود. تقریباً از هوش رفته بودم که مرا به اتاق دیگری منتقل ساختند. در آنجا با زنجیر یک دست و یک پایم را به دیوار متصل کردند و پشت سرهم آب داغ و آب سرد روی بدنم می ریختند. همین شکنجه ها روز دوم نیز تکرار شد و باز هم ادامه یافت. پنج روز تمام با همان شدت و بی رحمی بقیه در ص ۷

می ورزیم در بین این گرایش های وحدت استوار بوجود آوریم نقطه نظرهای مشترک را گسترش دهیم."

هیات نمایندگی ایران نیز متقابلاً به تجزیه و تحلیل اوضاع و احوال ایران پرداخت و پیرامون بحران اقتصادی اجتماعی حاکم بر کشور، آثارشوم ادامه جنگ، حکمروایی ترور و خفقان و همچنین گسترش دامنه مهارزات زحمتکشان و خلق ایران سخن گفت.

در پایان این دیدار دو جانبه، طرفین توافق کردند تا در آینده مناسبات خویش را بیش از پیش تحکیم کنند.

تعاونی های مسکن کارگری...

بقیه از ص ۲

کارگران میهن ماکه با اتکاب به تجربه ها و پیکارهای طبقاتی ۶ سال اخیر، راه نجات خود را در اتحاد عمل می جویند، مشکلات بسیار زیادی برای ارتجاع حاکم آفریده و می آفرینند، اخیراً مشاهده می شود که تعاونی های مسکن کارگری برای مقابله با کارشکنی های رژیم متحد می شوند و "اتحادیه تعاونی های مسکن" بوجود می آورند. دو اتحادیه تعاونی مسکن در تبریز متشکل از ۵۷ تعاونی و اتحادیه تعاونی های مسکن کارخانجات غرب تهران با عضویت بیش از ۵۰ تعاونی از آن جمله هستند.

رژیم و ارگان هایش هراسان از این گرایش، تمام نیروی خود را برای متفرق کردن تعاونی های مسکن بکار گرفته اند. به گفته مسئول کانون هماهنگی تعاونی های مسکن خانه کارگر: "وقتی درخواست ملاقات می شود مدیرکل (سازمان) زمین شهری استان تهران اظهار می دارد که هر تعاونی جداگانه مراجعه کند."

در چنین شرایطی، از آنجا که تعاونی های مسکن کارگری به یکی از سنگرهای مهم مبارزه طبقه کارگر ایران بدل شده اند، وظیفه اعضا و هواداران حزب است که کار در این تشکل ها و سازماندهی اعضای آنها را مورد توجه جدی قرار دهند. مبارزه زحمتکشان عضو تعاونی های مسکن کارخانه ها صرفاً یک مبارزه صنفی - اقتصادی نیست. زیرا کارگران در جریان دفاع از نمایندگان و موجودیت تشکل خویش در برابر دست اندازی های ارگان های دولتی، بیش از پیش ماهیت ضد مردمی رژیم به مثابه دشمن اصلی خود، وانچنین اسلامی به مثابه اهرم سرکوبگر رژیم آشنا می شوند. همچنین در می یابند که در ج.ا. برای زحمتکشان آزادی جهت انتخاب نماینده واقعی و دفاع از حقوق خویش وجود ندارد.

به دیگر سخن، مبارزه زحمتکشان عضو تعاونی های مسکن کارگری، از جهتی مبارزه ای سیاسی علیه اختناق نیز بشمار می آید. اعضا و هواداران حزب باید با استفاده از این زمینه مناسب تلاش خود را در راستای ارتقاء هر چه بیشتر آگاهی سیاسی کارگران، پاکسازی تعاونی های کارگری از عوامل رژیم و شناساندن ضرورت ایجاد سندیکیاها به توده های کارگر، تشدید کند.

کمک مالی به حزب توده ایران
یک وظیفه انقلابی است!

NAMEH P.B. 49034
MARDOM 10028 Stockholm 49
No: 88 Sweden

6 February 1986

پایان دادن به جنگ و برقراری صلح عادلانه در گرو پیکاری گیر،

متحد و سازمان یافته همه نیروهای مترقی و مردمی است!